

The Rise and Decline of the Legal Minimum Capital Rule in Company Law

 Esmat Danesh Ara

PhD Graduate in Private Law, Faculty of Law, Tarbiat
Modares University, Tehran, Iran
esmatdaneshara@yahoo.com



Abstract

In traditional company law, the legal minimum capital rule has been regarded as an important mechanism for protecting creditors' rights against the consequences of shareholders' limited liability. In contemporary company law, however, the significance of this rule has diminished.

It is now often viewed as an ineffective means of protecting creditors and as an unnecessary requirement. Instead, the adoption of alternative mechanisms that offer more efficient and less costly protection for creditors is recommended. This study examines the arguments for and against the legal

Journal of Research and Development
in Financial and Tax Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 1 | Spring & Summer 2026

(Original Article)

www.jftl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jftl.2026.741326

minimum capital rule, as well as alternative mechanisms for creditor protection, and refers to reforms adopted in certain legal systems in this regard.

Keywords: legal minimum capital rule; creditors' rights; limited liability; commercial companies



ظهور و افول قاعده حداقل سرمایه قانونی در حقوق شرکت‌ها

دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس،
تهران، ایران

عصمت دانش‌آرا 

esmatdanesara@yahoo.com



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق مالی و مالیاتی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۴۰۵

(مقاله پژوهشی)

www.jftl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jftl.2026.741326

چکیده

در حقوق سنتی شرکت‌ها قاعده حداقل سرمایه قانونی یکی از قواعد مهم برای حمایت از حقوق طلبکاران در برابر مسئولیت محدود شرکا است. امروزه در حقوق نوین شرکت‌ها از اهمیت این قاعده کاسته شده و آن ابزاری غیر مؤثر در حمایت از حقوق طلبکاران و غیرضروری تلقی می‌شود.

در مقابل اعمال سازوکارهای جایگزین که برای حمایت از حقوق طلبکاران کارآمدتر و کم‌هزینه‌تر است، توصیه می‌شود.

در این پژوهش دلایل توجیه‌کننده و رد‌کننده قاعده مذکور و سازوکارهای جایگزین در حمایت از حقوق طلبکاران مورد بررسی

قرار گرفته و به اصلاحات انجام شده در برخی نظام‌های حقوقی در این زمینه اشاره می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قاعده حداقل سرمایه قانونی، حقوق طلبکاران، مسئولیت محدود، شرکت‌های تجاری

مقدمه

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای حقوق تجارت، به رسمیت شناختن مسئولیت محدود برای سهامداران است. ایجاد شرکت‌هایی با سهامداران دارای مسئولیت محدود، بستر تضییع حقوق طلبکاران و وقوع تقلب را فراهم می‌آورد، زیرا مطابق اصل مسئولیت محدود، امکان وصول طلب از سهامداران برای طلبکاران وجود ندارد. یکی از ابزارهای حقوق سنتی شرکت‌ها برای مقابله با آثار نامطلوبی که شناسایی اصل مسئولیت محدود شرکت‌ها می‌تواند به دنبال داشته باشد، ایجاد قاعده حداقل سرمایه قانونی شرکت‌ها است. قاعده حداقل سرمایه قانونی یکی از قواعد حقوقی مهم حقوق سنتی شرکت‌ها است که به‌طور عمده در راستای حل تعارض منافع میان شرکای شرکت‌هایی از نوع با مسئولیت محدود و طلبکاران این نوع از شرکت‌ها به رسمیت شناخته شده است.

با این وجود قواعد مربوط به حداقل سرمایه اولیه شرکت امروزه بحث‌های زیادی به همراه داشته است. در مقابل، امروزه در رویکرد نوین حقوق شرکت‌ها، این باور وجود دارد که قواعد حاکم بر حداقل سرمایه قانونی حمایت‌چندانی از طلبکاران به عمل نمی‌آورد و ابزاری پرهزینه و بی‌فایده است و باید کنار گذاشته شود. (Ewang, 2007, p2) در نوشتار حاضر با رویکرد تحلیلی-توصیفی در راستای تبیین توجیه‌پذیری یا عدم قابلیت توجیه قاعده حداقل سرمایه ابتدا به دلایل توجیه‌کننده و رد‌کننده قاعده مذکور پرداخته می‌شود و پس از آن سازوکارهای جایگزین برای حمایت از طلبکاران بررسی و سپس رویکرد برخی نظام‌های حقوقی در این زمینه بیان می‌شود.

۱. دلایل توجیه‌کننده قاعده حداقل سرمایه قانونی

در این قسمت دلایل توجیه‌کننده قاعده حداقل سرمایه قانونی که درواقع بیانگر اهدافی است که قاعده مذکور دنبال می‌کند، ذکر می‌شود.

۱-۱. حمایت از طلبکار

در حقوق سنتی شرکت‌ها این باور وجود دارد که قاعده حداقل سرمایه قانونی از ایجاد شرکت‌هایی با کمبود سرمایه که خطر را از شرکت به طلبکاران منتقل می‌کند جلوگیری به

عمل می‌آورد. هدف اصلی این قواعد تنظیم تعارض موجود بین طلبکاران و سهام‌داران شرکت در خصوص تخصیص سرمایه شرکت است. این تعارض زمانی آشکار می‌شود که شرکت ورشکسته بوده و سرمایه کافی برای انجام تعهدات مالی خود را ندارد (Machado, op. cit, p681).

هدف اصلی قاعده مذکور حمایت از طلبکاران است. به‌طور کلی شرط حداقل سرمایه قاعده‌ای است که شرکای شرکت را ملزم می‌کند قبل از ثبت شرکت حداقل سرمایه قانونی تعیین شده را در اختیار شرکت قرار دهند. (Chan, 2009, p1) از آنجا که مسئولیت سهام‌داران در شرکت، محدود به میزان آورده آن‌ها در شرکت است، قاعده حداقل سرمایه قانونی به‌عنوان وسیله‌ای برای حمایت از طلبکاران پیش‌بینی شده است. در نتیجه همان‌طور که برخی از محققان گفته‌اند قاعده مذکور بهایی است که باید درازای شناسایی مسئولیت محدود برای شرکا پرداخت شود (Machado, op. cit, p682) با اعمال مسئولیت محدود، خسارت سهام‌داران، صرفاً به میزان سرمایه آن‌ها در شرکت محدود می‌شود. این در حالی است که ممکن است، سودهای نامحدودی به دست آورند. به عبارت دیگر، در چنین شرایطی بخشی از مخاطرات تجاری به طلبکاران منتقل می‌شود. زیرا سهام‌داران در صورت موفقیت شرکت از توزیع سود سهام و افزایش ارزش سهام منفعت قابل‌توجهی کسب می‌کنند. در مقابل اگر شرکت ورشکسته شود طلبکاران فقط می‌توانند طلب خود را از دارایی‌های شرکت تعقیب کنند. بنابراین از آنجا که طلبکاران اصولاً شانس کمتری برای وصول کامل طلب خود دارند، هزینه قاعده با مسئولیت محدود به آن‌ها تحمیل می‌شود. (Easterbrook, 1996, p49-50)

علاوه بر آن، سهام‌داران می‌توانند با تقسیم سود، پرداخت پاداش و غیره سرمایه شرکت را از آن خارج کنند. این امر، به‌طور ویژه، در خصوص شرکت‌های کوچک که سهام‌داران تمایل به مشارکت در مدیریت دارند، صادق است. -Enriques & Jonathan, 2001, p1168 (1169) افزون بر آنچه گفته شد فرض بر این است که طلبکاران به حداقل سرمایه قانونی به‌عنوان یک تضمین و منبعی برای وصول مطالبات خود در شرایطی که شرکت در شرف ورشکستگی است می‌نگرند. (Machado, op. cit, p682). بر این اساس، مطابق آنچه بیان شد،

هرچه حداقل سرمایه قانونی بیش‌تر باشد، طلبکاران از سطح حمایت بیش‌تری برخوردار هستند.

۲-۱. جلوگیری از تشکیل شرکت‌های صوری

قاعده حداقل سرمایه، ابزاری برای جلوگیری از سوءاستفاده از امتیاز تشکیل شرکت از نوع با مسئولیت محدود است. این قاعده، محکی برای تشخیص جدیت و عزم مؤسسان برای آغاز فعالیت‌های تجاری در قالب شرکت تجاری است. علاوه بر آن، این قاعده مانع فرصت‌طلبانی می‌شود که سعی می‌کنند از قالب شرکت‌های صوری برای ارتکاب تقلب یا شرکت در فعالیت‌های سفته‌بازی استفاده کنند. به این ترتیب، قاعده حداقل سرمایه منجر به حفظ نظم بازار و حقوق اشخاص ثالث می‌شود (Chan, op. cit, p25). بر همین اساس به اعتقاد برخی از محققان، قاعده حداقل سرمایه قانونی، ابزاری جهت مقابله با سوءاستفاده‌هایی است که در ارتباط با «شرکت‌های دودلاری»^۱ می‌شود.

«شرکت دودلاری» اصطلاحی است که برای توصیف شرکت‌هایی از نوع با مسئولیت محدود موجود در برخی کشورها مانند استرالیا و نیوزیلند استفاده می‌شود که قاعده حداقل سرمایه قانونی در آن کشورها اعمال نمی‌گردد. در این کشورها امکان تشکیل شرکت‌هایی با سرمایه کمتر از دو دلار وجود دارد (Ewang, op. cit, p15).

۳-۱. کفایت مالی^۲ جهت فعالیت شرکت

یکی از مهم‌ترین اهدافی که از اعمال قاعده حداقل سرمایه قانونی دنبال می‌شود، آن است که با اعمال قاعده مذکور اطمینان حاصل می‌شود که شرکت با منابع کافی برای داشتن یک حیات پایدار تشکیل شده است. (Machado, op. cit, p684). میزان حداقل سرمایه پرداخت‌شده باید شرکت را قادر سازد تا در بازار رقابتی باقی بماند و امکان دریافت وام پس از تشکیل شرکت را تسهیل می‌کند. از اهداف قاعده مذکور آن است که شرکت سرمایه کافی برای رفع نیازهای اولیه خود پس از تشکیل را داشته باشد (Chan, op. cit, p25).

۲. دلایل رد کننده قاعده حداقل سرمایه قانونی

امروزه بسیاری از محققان بر این عقیده هستند که قاعده حداقل سرمایه نه تنها فاقد کارکردهای مورد اشاره، به نحو مؤثر است، بلکه قاعده‌ای پرهزینه و غیرقابل توجیه است و

¹ 2\$companies

² Capital adequacy

هزینه‌های اعمال آن افزون‌تر از مزایای اجرای آن است. (Machado, opcit, p687) در ادامه دلایلی را که نشان می‌دهد، این قاعده، قاعده‌ای مطلوب جهت نیل به اهداف پیش‌بینی شده نمی‌باشد، ذکر می‌گردد.

۱-۲. عدم حمایت مؤثر از طلبکاران

در رد کاربرد حمایتی قاعده مذکور، چنین استدلال شده است که زمان اعمال قاعده مذکور، زمان تشکیل شرکت است. درحالی‌که طلبکار در زمانی که شرکت در شرف ورشکستگی است به حمایت نیاز دارد. زمانی که شرکت در شرف ورشکستگی است، سهام‌داران انگیزه بیشتری برای انجام رفتارهای فرصت‌طلبانه خواهند داشت که هزینه‌های نمایندگی را به ضرر طلبکاران ایجاد می‌کند. بنابراین شرکت ممکن است به‌طور کامل سرمایه خود را با تحمل زیان‌های قابل‌توجه از دست بدهد. (Ibid, p690)

از مهم‌ترین دلایلی که فقدان حمایت مؤثر از طلبکاران به موجب قاعده حداقل سرمایه را نمایان می‌نماید، یکسان بودن میزان حداقل سرمایه اولیه برای همه شرکت‌ها است. درحالی‌که، هر شرکت از ویژگی‌های خاص مالی، سازمانی، سرمایه‌گذاری و نیازهای خاص خود برخوردار است. بنابراین اگر هدف از قاعده مذکور حمایت از طلبکاران می‌باشد، حداقل سرمایه باید برای هر شرکت با توجه به نوع فعالیت تجاری، اندازه واقعی شرکت و مهم‌تر از آن خطرپذیری شرکت تعیین شود. (Ibid, p691) اما نکته اساسی آن است که در عمل تخمین خطرپذیری همه انواع فعالیت‌های تجاری که توسط شرکت‌های تجاری انجام می‌شود در حقوق شرکت‌ها غیرممکن است و امکان برآورده مطالبات آتی بستنکاران و مبالغی که برای پوشش تعهدات آتی شرکت لازم است از قبل وجود ندارد. درنتیجه بسیاری از محققان بر این باور هستند که قاعده حداقل سرمایه قانونی فاقد منطق اقتصادی است. درنتیجه این قاعده حمایت مؤثری از طلبکاران به عمل نمی‌آورد. (etroševiČienė, 2010, p69).

۲-۲. گمراه نمودن طلبکاران

از دیگر مواردی که در رد قاعده مذکور بیان شده آن است که، قاعده حداقل سرمایه شرکت و اعلام سرمایه اولیه به عموم می‌تواند به گمراه شدن طلبکاران بیانجامد. زیرا سرمایه اولیه یک شرکت بیانگر اعتبار وضعیت مالی شرکت در طول حیات آن نیست. باوجود حداقل سرمایه اولیه، شرکت بدون کسب‌وکار پویا یا مدیریت توانمند در معرض

ورشکستگی قرار خواهد گرفت. (Mü lbert,2006, p385)

علاوه بر آن، ارزش سرمایه شرکت در زمان تشکیل، در طول حیات شرکت ممکن است کاهش یابد. برای مثال، از ارزش برخی از اموال شرکت به دلیل نیروی عرضه و تقاضا در بازار کاسته شود. جهت روشن شدن مسئله موردی را در نظر بگیرید که یک شرکت از نوع با مسئولیت محدود با رعایت حداقل سرمایه موردنیاز (برای مثال ۲۵۰۰۰ یورو) تشکیل می‌شود. شرکت بلافاصله پس از تشکیل، مبادرت به خرید خودرویی نو، به قیمت ۲۵۰۰۰ یورو می‌نماید که پس از خرید خودرو فوراً به دلیل استفاده، دچار افت قیمت شده و ارزش آن ۲۰۰۰۰ یورو می‌گردد. طلبکاران ممکن است به اشتباه بر این باور باشند که از آنجاکه سرمایه اولیه سهام‌داران ۲۵۰۰۰ یورو است، دارایی شرکت با این مبلغ مطابقت دارد. در حالی که طلبکاران فقط قادر به وصول طلب خود از اموال شرکت به ارزش ۲۰۰۰۰ یورو هستند. (Machado, opcit, p688-689) در نتیجه آنچه گفته شد می‌توان گفت سرمایه اولیه تضمینی برای پرداخت بدهی‌های شرکت نیست و صرفاً بیانگر مبلغی است که سهام‌داران درازای سهام خود پرداخت نموده‌اند.

امروزه طلبکاران، با توجه به این واقعیت، به جریان نقدینگی فعلی شرکت توجه می‌کنند و به این موضوع اهمیت می‌دهند که شرکت توانایی پرداخت طلب آن‌ها را با توجه به وضعیت مالی واقعی خود، در زمان سررسید دارد یا خیر. زیرا ارزش سرمایه اولیه شرکت شباهت بسیار کمی با ارزش دارایی شرکت در طول حیات آن دارد. (Armour,2006,p16) عدم لزوم پرداخت کامل ارزش سهام از سوی سهام‌داران در هنگام تشکیل شرکت در برخی نظام‌های حقوقی این وضعیت را تشدید می‌کند (Machado , op.cit, p690).

۳-۲. ایجاد مانع برای تشکیل شرکت‌های تجاری

بدیهی‌ترین هزینه‌ای که قاعده حداقل سرمایه قانونی ایجاد می‌کند آن است که، مانع کارآفرینی می‌شود. زیرا سرمایه‌گذاران در زمان تشکیل شرکت موظف به تأمین میزان سرمایه تعیین‌شده در قانون، قبل از شروع به تجارت و تشکیل شرکت هستند و این امر توانایی آن‌ها برای شروع کسب‌وکار را محدود می‌نماید. این قاعده نه تنها موانعی را برای کارآفرینان ایجاد می‌کند، بلکه با کاهش رقابت در بازار قدرت انحصاری متصدیان فعلی را افزایش می‌دهد. تحمیل چنین هزینه‌ای به کارآفرینان جهت تشکیل شرکت، در حالی است که همان‌طور که بررسی شد، قاعده مذکور حمایت مؤثری از طلبکاران به عمل نمی‌آورد

(Easterbrook, 1996, p60).

۳. سازوکارهای جایگزین

با توجه به مطالبی که بررسی گردید، قاعده حداقل سرمایه قانونی چندان مفید نیست و باوجود هزینه‌های تحمیل‌شده بر سهام‌داران، حمایت مؤثری از طلبکاران به عمل نمی‌آورد. در ادامه برخی از سازوکارهای جایگزین که می‌تواند با هزینه‌های پایین‌تر و کارآمدی افزون‌تر حمایت مؤثری از طلبکاران به عمل آورد، ذکر می‌شود.

۱- ۳. سازوکارهای قراردادی

سازوکارهای حمایتی قراردادی را فقط نسبت به طلبکاران ارادی^۱، یعنی طلبکارانی که به اراده خود با شرکت قرارداد منعقد نموده‌اند، می‌توان اعمال کرد. طلبکاران اختیاری معمولاً از مهارت‌های مذاکره قوی و تجربه بسیار برخوردارند و آن‌ها می‌توانند به قرارداد منعقد منعقدشده با شرکت اتکا کنند. (Petroševićienė, op.cit, p221) طلبکاران معمولاً نرخ خسارت مناسبی را در قرارداد شرط می‌کند. در قرارداد منعقدشده ممکن است آزادی شرکت محدود شود به‌عنوان مثال در قرارداد شرط شود که شرکت بدهکار، بدون رضایت قبلی کتبی طلبکاران حق سرمایه‌گذاری، خرید یا تصاحب دارایی تا ارزش معین‌شده، قرض گرفتن یا قرض دادن تا مبلغ مشخص، رهن یا وثیقه گذاشتن اموال غیرمنقول و ... را ندارد. (Ibid)

افزون بر آن، طلبکاران هنگام قرارداد می‌توانند از شرکت درخواست تضمین اضافی مانند رهن مال غیرمنقول، وثیقه، ضمانت‌نامه بانکی و غیره نمایند. در سال‌های اخیر به دلیل شرایط رکود اقتصادی، رایج است که طلبکاران درخواست ضمانت شخصی سهام‌داران در قبال تعهدات شرکت را می‌نمایند. بدین ترتیب سهام‌داران علاوه بر مسئولیت خود به میزان آورده، شخصاً انجام تعهدات شرکت را تضمین می‌نمایند. (Ibid)

۲- ۳. خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت

خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت به معنای نادیده گرفتن شخصیت حقوقی جداگانه شرکت است. در طول سالیان متمادی، دلایل بسیاری برای امکان خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت در شرایط خاصی مطرح شده است. تا با استناد به نظریه مذکور شرکت و سهامداری که پشت سپر شخصیت حقوقی قرارگرفته از نظر حقوقی یک شخص

¹ -Voluntary creditors

واحد تلقی شود، به نحوی که حقوق و تعهدات یا فعالیت‌های شرکت، حقوق و تعهدات یا فعالیت‌های سهامدار قلمداد گردد و بالعکس. (McLaghin, 2019, p103)

بر این اساس، در صورتی که شرکت به دلیل ایجاد ساختار نامطلوب سرمایه یا قصور سهامداران قادر به انجام تعهدات خود نباشد امکان وصول دیون شرکت از دارایی شخصی سهامداران یا شرکت مادر وجود دارد. مطابق سازوکار مذکور طلبکاران باری دادگاه می‌توانند به دارایی سهامداران دسترسی یابند. در نظام حقوقی انگلیس که قانون‌گذار حداقل سرمایه قانونی برای شرکت‌های خاص پیش‌بینی ننموده دادگاه‌ها در موارد بسیاری این سازوکار را به کار بسته‌اند رویه قضائی دادگاه‌ها در تفسیر دکترین خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت به عنوان ابزاری مؤثر برای حمایت از طلبکاران کمک زیادی به کاهش اهمیت قاعده حداقل سرمایه قانونی در لحظه تشکیل شرکت نموده است. (Petroševićienė, op.cit, p222)

۳-۳. مسئولیت مدیران

یکی از سازوکارهای حمایت از طلبکاران تحمیل مسئولیت بر مدیران به‌ویژه در زمان ورشکستگی شرکت است. زیرا در زمان ورشکستگی تعارض منافع طلبکاران و سهامداران به اوج می‌رسد. به عنوان مثال، در نظام حقوقی انگلیس در صورتی که پس از انحلال شرکت مشخص شود که مدیر یا مدیران شرکت به‌رغم آن که می‌دانست یا باید می‌دانست هیچ چشم‌انداز معقولی برای ادامه فعالیت تجاری شرکت وجود ندارد، به فعالیت تجاری شرکت ادامه دهد، مدیر تصفیه می‌تواند از دادگاه حکم به الزام جبران خسارت علیه مدیر صادر کند. (ماده ۲۱۴ قانون شرکت‌ها ۲۰۰۶) هرچند بر اساس مقررات قانونی، طلبکاران از امکان اقامه دعوای مستقیم علیه مدیران برخوردار نیستند، اما این امر نمونه بسیار مهمی است که چگونه نتایج سخت و خشک اصل شخصیت حقوقی جداگانه شرکت از سهامداران با اعطای حق اقامه دعوای مدیر تصفیه در راستای حفظ منافع طلبکاران، تعدیل می‌شود. (McLaghin, op.cit, p102)

۴. رویکرد برخی از نظام‌های حقوقی

همان‌طور که نشان داده شد، قاعده حداقل سرمایه قانونی نقش مهمی در حقوق نوین شرکت‌های تجاری ایفا نمی‌کند. امروزه برخی از کشورها قوانین خود را اصلاح کرده یا در حال اصلاح هستند تا شرکت‌های تجاری بدون نیاز به تأمین مقدار مشخصی از سرمایه

تشکیل شوند. در این بخش به برخی از این اصلاحات اشاره می‌شود. در نظام حقوقی انگلیس هیچ‌گاه قاعده حداقل سرمایه قانونی ابزاری کارآمد برای حمایت از طلبکاران در نظر گرفته نشده و به همین دلیل در خصوص شرکت‌های خاص چنین قاعده‌ای اعمال نمی‌شود. در نظام حقوقی آلمان و فرانسه، قاعده حداقل سرمایه قانونی نه تنها به عنوان ابزاری مؤثر برای حمایت از طلبکاران، بلکه به عنوان نشانه‌ای از عزم تجاری یا راهی برای کاهش مشکلات مالی احتمالی نگاه می‌شد با این حال هر دو نظام حقوقی مذکور، قوانین خود را تغییر داده و اکنون به شرکت‌های با مسئولیت محدود اجازه می‌دهند تا با سرمایه کمتر از یک یورو تشکیل شوند (Machado, op. cit, p712).

در فرانسه قبل از سال ۲۰۰۳ قانون‌گذار حداقل سرمایه قانونی اجباری ۷۵۰۰ یورو را برای شرکت‌های از نوع با مسئولیت محدود تعیین نموده بود. در ۱ اوت ۲۰۰۳ قانون موسوم به «قانون دوتریل»^۱، به منظور تسهیل انجام کسب و کار تصویب شد. در این قانون شرط حداقل سرمایه قانونی مورد نیاز برای شرکت‌های با مسئولیت محدود نسخ گردید. (Ibid).

در کشور آلمان در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۸، اصلاحات اساسی توسط پارلمان در خصوص شرکت‌های با مسئولیت محدود اعمال شد. «قانون نوسازی شرکت با مسئولیت محدود و توقف سوءاستفاده از آن»^۲ در نوامبر ۲۰۰۸ به اجرا درآمد. یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های این قانون، ایجاد نوعی شرکت با مسئولیت محدود است که امکان تشکیل آن با سرمایه قانونی ۱ یورو وجود دارد. (Joelle, 2004, p1037).

^۱ -Loi Dutreil

^۲. Gesetz zur Modernisierung des GmbH-Rechts und zur Bekämpfung von Missbräuc.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، بحث‌های گسترده‌ای در خصوص توجیه‌پذیری یا عدم قابلیت توجیه قاعده حداقل سرمایه قانونی در ادبیات حقوقی حاکم بر شرکت‌ها، مطرح گردیده است. حقوق سنتی شرکت‌ها وجود چنین قاعده‌ای را برای حمایت از حقوق طلبکاران، تضمین کفایت سرمایه شرکت جهت فعالیت و جلوگیری از تشکیل شرکت‌های صوری و تحمیل زیان بر اشخاص ثالث ضروری می‌دانست. هدف اصلی این قاعده کاهش تعارض موجود بین طلبکاران و سهام‌داران شرکت در تخصیص سرمایه شرکت است با این وجود امروزه از اهمیت قاعده مذکور در حقوق نوین شرکت‌های تجاری کاسته شده است. زیرا پژوهش‌های نظری و شواهد عملی نشان می‌دهد، قاعده حداقل سرمایه قانونی نه تنها حمایت چندانی از طلبکاران به عمل نمی‌آورد بلکه موجبات گمراهی طلبکاران را در ارزیابی وضعیت مالی شرکت فراهم می‌کند و مانع فعالیت اقتصادی کارآفرینان می‌شود. با توجه به دلایل مذکور، قاعده حداقل سرمایه قانونی به‌رغم تحمیل هزینه بر سهام‌داران، در نیل به اهداف خود ناتوان بوده و کارآمد نیست. در نتیجه، در برخی از کشورها مانند فرانسه و آلمان اصلاحات اساسی برای کنار گذاشتن قاعده مذکور انجام شده است. با توجه به عدم حمایت مؤثر از طلبکاران به موجب قاعده حداقل سرمایه قانونی، اعمال سازوکارهای جایگزین برای حمایت مؤثر از طلبکاران مانند سازوکارهای قراردادی، خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت و مسئولیت مدیران توصیه شده است.

فهرست منابع

1. Armour, John, 2006 Legal Capital : An Outdated Concept?. European Business Organization Law Review, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=910826>.
2. -Chan, Gordon Y. M., "Why Does China not Abolish the Minimum Capital Requirement for Limited Liability Companies?" (August 2, 2009). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1442791>.
3. -Enriques, Luca, Jonathan, R. Macey, 2001 Creditors Versus Capital Formation : The Case against the European Legal Capital Rules, cornell law review, vol(86).
4. -Ewang, Fritz N., 2007 An Analysis and Critique of the European Union's Minimum Capitalization Requirement .Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1015708>.
5. Frank H. Easterbrook, 1996 The Economic Structure of Corporate Law, 1th ed, Harvard University Press.
6. Joelle, Simon, A 2004 comparative Approach to capital maintenance : France, European Business law review.
7. Payne, Jennifer, 2008 "Legal Capital in the UK Following the Companies Act 2006", Oxford Legal Studies Research Paper No. 13, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1118367>.
8. Petroševićienė , Olga, 2010 "Effective Protection of creditors interest in private companies: obligatory Minimum capitals rules versus contractual and other Ex Post Mechanisms", Social Sciences Studies, VOL(3).
9. Machado, Francisco Soares, 2009 "Effective Creditor Protection in Private Companies: Mandatory Minimum Capital Rules or Ex Post Mechanisms?". Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1568731>.
10. McLaughlin, Susan, 2018 Unlocking Company Law, 4th ed, Routledge.
11. Mülbart, peter, 2006 A Synthetic View of Different Concepts of Creditor Protection, or: A High-Level Framework for Corporate Creditor Protection, European Business Organization Law Review.